

بسم الله الرحمن الرحيم

فایل نوشتاری دوره اصول تذکر به بستگان و بستگان

" **کانون مهر ورزی** " استاد علی تقوی

جلسه چهارم: ظرافت های امر به معروف و نهی از منکر

در خانواده و بستگان

یکی از ظرافت هایی که رعایت آن

به افزایش تاثیر امر به معروف و نهی از منکر کمک میکند،

انتقاد پذیر بودن خود ما به عنوان آمر و ناهی هست

یعنی کسی که نسبت به تذکر دیگران واکنش مثبت نشون بده،
تذکر اون ها رو با روی باز بپذیره و حتی فراتر از انتقاد پذیری،

انتقاد خواهی از دیگران داشته باشه،

باعث میشه که دیگران هم در مقابل انتقاد او گارد نگیرن

فرض بفرمایید که بنده از یکی از اعضای خانواده و یا بستگان گاهاً درخواست کنم که

آقا اگر عیب و ایرادی در من می بینید،

اگر نکته ای هست که لازمه من در خودم تجدید نظر کنم و رفتارم رو اصلاح کنم،

به من تذکر بدید

**این انتقادخواهی هست
و انتقاد خواهی بالاتر و بهتر از انتقادپذیری هست
حداقل انتقادپذیر باشیم**

یعنی اگر کسی از من انتقادی کرد،
ولو اینکه بینم خیلی هم انتقادش وارد نباشه،
اما با تندی باهاش مقابله نکنم و این انتقاد رو از او بپذیرم، حتی تشکر کنم
و در مواردی که انتقادش وارد هست،
خودم رو اصلاح کنم و رفع عیب کنم

اگر این روحیه در بنده نهادینه بشود،
در کسی که بعدا من میخوام به او تذکر بدم و از آشنایان و بستگان و خانواده من هست
بالتبع چون انتقادپذیری رو در خود من دیده،
به مرور این رفتار در خود او هم نهادینه خواهد شد

پس اصل اول و ظرافت اول، انتقادپذیر بودن خود ما هست

گاهی لازمه پنج تا، ده تا، انتقادپذیری رو از خود ما دیده باشه،
تا الآن او هم انتقادپذیر شده باشه و حرف ما رو قبول کنه

ظرافت دوم در امر به معروف و نهی از منکر بستگان و خانواده این هست که

ما باید مراقب افزایش توقع ها باشیم

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند معمولاً مردم از شما اینطور انتظار دارند که

خودش یک آدم بدون خطایی باشد

خودش یک آدم کاملاً کار درستی باشد

اصلاً بعضی‌ها او را زیر ذره بین می‌گیرند

به محض اینکه یک ذره‌ای پاشو کج بگذارد،

مثلاً یک حرف یک مقدار نامربوطی بزند یا یک رفتار یک مقدار خطایی انجام بدهد

سریعاً او را رفتار خطا رو بزرگ بکنند و به رُخش بکشند

حالا اونم انسانه و داره امر به معروف و نهی از منکر می‌کند،

دلیل بر این نیست که خودش خطا نداشته،

ولی گاهی وقت‌ها به غلط،

مردم انتظار دارند چون شما تذکر می‌دید

و چون شما امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید،

خودت هیچ عیب و خطایی نداشته باشی

مثلاً می‌خوان جلوی شما گارد بگیرند و بگن آها ببین شما خودتم خطا داری!

لذا ما باید مواظب باشیم،

توقع از آمر به معروف و ناهی از منکر میره بالا

انتظار دارند که او دیگه هیچ خطایی انجام ندهد

حالا از نظر اون‌ها دیگران ۱۰۰۰ تا خطا هم انجام بدن عیب نداره‌ها!

ولی شما که فلان مورد رو بهشون تذکر دادید،

همین که یک کار غلطی ازت ببینن می‌خوان به رُخت بکشند

این اشتباهه، ولی هست و در اکثر مردم چنین باوری هست

لذا باید سعی کنیم حواسمون رو جمع کنیم،

خطاهامون رو کم کنیم،

اشتباهاتمون رو کم کنیم

و مواظب باشیم که مردم توقعشون از ما بالا هست
و دیگه ممکنه خطای ما رو صرفاً پای ما ننویسن،
ممکنه خطای ما رو پایِ باورهای ما، اعتقادات ما و مکتب ما بنویسن!

نکته سوم در ظرافت های امر و نهی بستگان این هست که عزیزان
هر وقت که شما در جمع فامیل و خانواده امر به معروف و نهی از منکر کنید،

شما با دو طیف طرف هستید،

با دو رکن در تذکر خودتون طرف هستید

۱- اون شخصی که مقابل شما هست و مخاطب اصلی تذکر شما هست

و در واقع شما به او تذکر دادید

۲- طیف دوم که مهم تر هست و معمولاً جمعیتش هم بیشتر هست،

شاهدانی هستند که در اون صحنه حاضر هستند

و دارن رفتار شما و تذکر شما رو رصد میکنن

و ناخودآگاه بر اساس این حرکت شما یک قضاوتی نسبت به شما در ذهنشون تداعی

خواهد شد

حواستون باشه، معمولاً اهمیت دسته دوم بیشتر از اهمیت دسته اول هست

مثلاً شما به یک نفر خطاب میکنید که:

بزرگوار این حرفتون غیبت بود، این حرف رو زن،
پشت سر فلانی صحبت نکن، صحیح نیست، کار خوبی نیست
الآن یک نفر مخاطب شماست که میگی غیبت نکن!
اما یهو می بینی ۱۲ نفر نشستن و این ها هم دارن می شنون،

اون مخاطب شما ممکنه برگرده و

یک پرخاشی به شما بکنه، یک تندی ای بکنه، یک بی ادبی ای به شما بکنه،

یا ممکنه اطاعت بکنه و بپذیره

**مهمتر از اینکه اون فرد مخاطب چه عکس العمل و قضاوتی از شما خواهد داشت،
این هست که این جمعیت حاضر چه عکس العمل و قضاوتی خواهد داشت**

لذا همیشه تا می تونیم طوری زیبا تذکر بدیم، با ادب تذکر بدیم،

با احترام و درست و با اصولش و قشنگ تذکر بدیم که

قضاوت اطرافیان نسبت به ما و نسبت به امر به معروف و نهی از منکر خراب نشه

اگر هم اون فرد مخاطب ناراحت شد و برگشت یک فحشی داد یا یک توهینی کرد،

قضاوت اطرافیان این باشه که ای بابا این که درست تذکر داد، این که حرف بدی نزد،

این که خیلی قشنگ و مهربان تذکر داد، با زبان خوش تذکر داد،

اون فرد مخاطب بی خودی شلوغش کرد، اون بود که از کوره در رفت

حواسمون به قضاوت شاهدان باشه

ظرافت چهارم: بزرگواران،

قبل و بعد از تذکر نسبت به آشنایانمان،

اول یک تمجیدی داشته باشیم، یک مدحی داشته باشیم،

یک نقطه ی مثبت بینی و تعریفی داشته باشیم

قبل از اینکه تذکر بدیم یکی از حرکات خوب اون رو، یک نقطه قوت او رو، به رُخشی بکشیم

و بهش بفهمانیم که ما حواسمون هست و مثبت ها رو هم می بینیم

بعد تذکرمون رو بدیم

و چقدر خوبه که دوباره بعد از تذکر هم باز یادآور بشیم که

بین خدایی نکرده منظور من این نیست که شما همه کارها غلطه،

نه، من خودم کارهای اشتباهی دارم که دیگران مثل شما باید به من تذکر بدن،

ولی این حرکتی که انجام دادی اشتباه بود،

البته شما این صفت خوب رو هم دارید،

این کار خوب رو هم دارید،

این حرکت درست رو هم دارید

یعنی این باور رو در مخاطب ایجاد کنیم که آقا من دشمن تو نیستم

من خیلی هم تو رو دوست دارم، فامیلم هستی، عزیزم هستی، خیلی هم بهت ارادت دارم

اما این یدونه کارت غلطه

بین کارهای مثبت تو رو هم می بینم،

بین کارهای درستت رو هم می بینم

پس تعریف و تمجید شایسته و حق، قبل و بعد از تذکر خیلی میتونه موثر باشه

البته این ها وحی منزل نیست،

این ها تکنیک هستن، ظرافت و مهارت هستن که کمک میکنه به کار ما

یک وقت هست که شما بدون اینکه مقدمه چینی کنید

و قبل و بعد رو تعریف و تمجید بچینید

صراحتا تذکرتون رو میدید،

این هم اشکالی نداره، اما این ها به کار شما کمک میکنه

ظرافت پنجم:

قبل از اینکه به دوست، همسایه، فامیل، آشنایان و بستگان تذکر بدیم

"نوع منکر رو بسنجیم"

این تذکر باید عمیق باشه یا

همین که خیلی سطحی و ساده از کنارش رد بشیم و تذکر بدیم و عبور کنیم باشه؟

بشینم اینقدر با طرف بحث اساسی و بنیادی کنم که به قول دوستان گفتنی موتورش رو بیارم

پایین و دوباره موتورش رو سوار کنم

یا اینکه فقط یک تذکر سطحی بگیرم کفایت می کنه؟

به قول حاج آقا قرائتی:

یک موقع هست که گچ روی لباس شما ریخته و

یک موقع هست که دوده روی لباس شما نِشسته،

گچ رو باید تکوند و با تکوندن تمیز میشه

ولی دوده که دیگه تکوندنی نیست،

دوده رو بخوای بتکونی بدتر میره تو جون لباس

دوده رو باید فوت کرد و در واقع با باد تکوند و نه با دست

بعضی منکرات هست که اگر "بد" امر به معروف و نهی از منکرش کنی

بیشتر فرو میره،

مثل اون دوده ای که میره تو جون لباس و بدتر داری فشارش میدی و پخشش میکنی

در صورتی که این منکر یک منکری بوده که باید با یک فوت و خیلی ساده و

سطحی تذکر می دادی

ولی یک موقع هست که می بینی منکر، منکری هست که قشنگ میتونی بتکونیش

و هیچ مشکلی هم نداره

اینکه چقدر عمیق کار کنیم و چقدر جدی تذکر بدیم؟

چقدر ساده به انکاریم و از تغافل‌ها استفاده کنیم؟

این بستگی به هنر شما و تشخیص شما در نوع منکر دارد

همه منکرات در خانواده و بستگان یک نوع نیستند

لذا شیوه نهی شان هم با هم متفاوت هست

ظرافت ششم:

ما توصیه و امر شدیم که در راه حق، در صراط امر به معروف و نهی از منکر،

از ملامت ملامت‌کنندگان فترسیم

بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه ۲۱۲

در آیات قرآن هم همونطور که قبلاً گفتیم به کرات این مسئله ذکر شده

اگر انبیای خدا می‌خواستند از راه حق بترسن

و از ملامت ملامت‌کنندگان بترسن

که دیگه امروز دین به ما نرسیده بود و اسلام به دست ما نرسیده بود

البته این به این معنی نیست که بی‌گدار به آب بزنیم و بگیریم، خب،

دیگه هر کسی هر چیزی می‌خواه بگه، من باید کارمو انجام بدم

نه، گاهی اوقات دیگران پیشنهادهای خوبی برای اصلاح روش امر به معروف و نهی از منکر

به ما میکنند، اون‌ها رو به دیده‌ی منت پذیریم و ترتیب اثر بدیم،

روشمون رو بهبود بدیم و بهتر کنیم

اما اینکه همش بخوان ما رو سرزنش کنن و ما بگیریم وای چقدر سرزنشگر،

چقدر موج مخالفت با تذکر ما، پس تذکر رو رها کنیم و کنار بگذاریم،
نه، ما باید ثابت قدم باشیم و از خدا هم بخواهیم که روش های درست و ظرافت های درست
رو برای امر به معروف و نهی از منکر به ما نشون بده

نکته هفتم:

استفاده از سالارها

ببینیم در هر خانواده کی سالاره؟

مثلا این خانواده مرد سالاره، اون خانواده زن سالاره
امروزه اکثر خانواده ها فرزند سالار هستن
(یعنی حرف فرزند رو بیشتر گوش میدن)

مثل اون روایتی که داریم و میگه که کودک، هفت سال اول زندگی رو پادشاه هست

می توانیم از این روحیه استفاده کنیم و بگیریم تذکرمون رو اون فردِ سالار بگه

از نفوذ و کلام اون فرد استفاده کنیم و از او بخواهیم که تذکر رو بده

نکته هشتم:

اگر ما امر به معروف و نهی از منکرمون رو درست انجام بدیم،

ناراحت شدن دیگران به ما ربطی نداره!

ما مسئول دلخور شدن دیگران در امر به معروف و نهی از منکر نیستیم!

"به شرطی که درست انجام بدیم ها!"

اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را
با حفظ مراتبش،
با احراز شرایطش،
با روش های درستش انجام بدیم،
معمولا کسی ناراحت نمیشه

اما ممکن هم هست طرف خیلی زودرنج باشه، ما درست تذکر بدیم و او دلخور بشه

اگر ما درست تذکر دادیم،
روشمون درست بود،
شرایط و مراحل و احکام رو سنجیدیم،
ظرافت ها رو رعایت کردیم،
با ادب گفتیم،
با زبان خوش گفتیم،
با منطق گفتیم

باز کسی ناراحت شد،
اون دیگه مشکل خودشه

ما از بفرما استفاده کردیم نه بنشین و بتمرک
ما با زبان خوش گفتیم
ما با آدابش گفتیم
ما با احترام و همه ضوابطش گفتیم
موارد اخلاقی و شرعی رو رعایت کردیم

حالا اون بازم ناراحت شد
دیگه مشکل از اونه که زود دلخور میشه

نمیشه امر به معروف و نهی از منکر رو ترک کنیم به بهانه اینکه کسی دلخور نشه
نه، ما باید این واجب دینی رو درست انجام بدیم،
حالا اگر کسی هم یه خورده دلخور شد،
خوبه که ازش دلجویی کنیم

ظرافت نهیم:

ما همواره سعی کنیم که کار خلاف رو زیر سوال ببریم،
نه اون شخصی که خلاف کرده!

ما باید مشکلمون با فعل گناه باشه نه با فاعل گناه

البته فاعل گناه هم تبرئه نیست،
از این حیث که او خطا کرده او هم مورد خطاب ما هست
اما اصل خطاب ما و نشانه گیری و هدف تذکر ما باید به سمت گناه باشه نه گناهکار

شخص گناهکار باید بفهمه که ما با او مشکلی به ذاته نداریم

مشکل ما با کار غلط و گناه اون فرد هست!

وگرنه کارهای مثبتش رو هم می بینیم

و به محض اینکه این گناهِش رو رفع کنه،

مشکل ما با او حل خواهد شد

مبادا در فامیل و بستگان طوری امر و نهی کنیم که طرف فکر کنه که

ما کلا با او مشکل داریم،

ما رابطه و رفت و آمد با او رو نمی خوایم،

ما او رو به عنوان فامیل قبول نداریم،

ما دور او رو دیگه برای همیشه خط کشیدیم!

نه، باید بدونن که به محض اینکه این گناه رو کنار بزنین،

ما آماده رفت و آمد هستیم

و اون ها رو دوست داریم

و به اون ها عشق می ورزیم،

مشکل ما فقط این گناهه هست نه شخصیت اون ها

ظرافت دهم:

گاهی وقت ها در جمع دوستان و آشنایان،

تایید و حمایت از یک کسی که امر به معروف کرده،

می تونه اثر تذکر اون رو چند ده برابر و بلکه چند صد برابر بکنه

مثلا شما نشستید تو جمع فامیل می بینید یک کسی خطایی انجام داد

و یک نفر بهش تذکر داد،

"آنی" از اون تذکر حمایت کنید،

نذارید فضا بر علیه تذکر دهنده سنگین بشه،

تا تذکر داد شما هم بگید که:

**خب راست میگه دیگه ایشون، بله احسنت، منم می خواستم همین رو عرض کنم،
حرف درستیه، راست میگه این رو رعایت کنه، خدا خیرت بده**

این یعنی چی؟ یعنی بین منم پشتش هستم

باور بفرمایید عزیزان،

*****اثر حمایت از تذکر، خیلی بیشتر از اثر تذکر اولیه هست*****

**دیدید بعضی وقت ها شما یک تذکری می دید و هیچ کس پشتتون در نیامد
و ممکنه از جبهه مقابل ۵، ۴ نفر جلوی شما بایستن که مثلاً آقا به تو چه!
همونطور که ما دلمون می خواد دیگران از تذکر درست، اخلاقی و شرعی ما دفاع کنند
دیگران هم خوشحال میشن و خدا خوشحال میشه وقتی که ما
از یک امر به معروف ونهی از منکر درستی حمایت کنیم**

ظرافت یازدهم: (به نکته قبلی پیوست داره)

مواظب باشیم که کسانی به اسم حمایت از ما،

در فامیل تسویه حساب شخصی انجام ندن

مثلاً نسبت به این فامیل از ده سال پیش یک کینه ای داره،
حالا که میبینه ما داریم امر به معروف می کنیم و به این تذکر میدیم،
او هم خودش می ندازه وسط که
بله اصن راست میگه، اصن شما خانوادتاً نفهمید، شما همتون اینطور هستید و...
ببینید امر به معروف ما رو خراب کرد و شروع کرد به تسویه حساب شخصی!

سریع جلوش رو بگیرید
آقای فلانی این چه حرفیه،
شما هم دارید اشتباه می گید،
این چه طرز برخوردیه؟
حالا ایشون یه خطایی کرد و ما هم تذکر دادیم،
دلیل بر این همیشه که شما اینطوری توهین کنید

ببینید اگر عدالت و میانه روی را در امر به معروف و نهی از منکر درست رعایت کنیم
و حد و مرزش را نگه داریم،
جلوگیری میشه از سوء استفاده ی اون کسانی که بخوان تسویه حساب شخصی انجام بدن
***خودمونم حواسمون باشه که به اسم امر به معروف و نهی از منکر با کسی
تسویه حساب شخصی نکنیم***

اتفاقاً اون کسانی هم که ما مشکل شخصی باهاشون داریم
باید ببینن که ما در امر به معروف و نهی از منکر
چقدر نسبت اون ها اعتدال و میانه روی رو رعایت می کنیم

و اساساً همین امر به معروف و نهی از منکر که فرهنگ دلسوزی هست
باعث میشه که ما کلا کدورت و کینه نسبت به دیگران رو از دلهامون بیرون بریزیم

ظرافت دوازدهم:

ما باید برای اثرگذاری امر به معروف و نهی از منکرمون

دائماً اعتبار خودمون رو بالا ببریم

دائم در حال بلیط خریدن باشیم

دائم در حال آبرو خریدن و عزیز شدن باشیم

یعنی چی؟

با چی باید بلیط بخریم؟

با چی باید اعتبارمون رو بالا ببریم؟

*****الانسان عبید الاحسان*****

با محبت با احسان با نیکی کردن

شما که تو فامیلتون مشهور هستید

به مومن بودن

به با خدا بودن

به اهل دین بودن

شما باید با محبت ترین فرد فامیلتون باشید

حالا شاید الآن کسی اشکال بگیره که خود بنده که دارم این حرف رو میزنم

چقدر اینطور هستم؟

من الآن دارم عرض میکنم که خوب است اینطور بودن

و از خدا بخوایم که هممون اینطور باشیم

ما باید سعی کنیم تا می تونیم نسبت به فامیل

محبت کنیم،

خوبی کنیم،

از بدی هاشون بگذریم تا جایی که به حق الله نرسه و شان خدا زیر پا گذاشته نشه

آمران به معروف باید سعی کنند نماز

محبت و بخشش و عطوفت و مهربانی و احسان و نیکی

باشند

همش اعتبار و آبروی خودشون رو بالا ببرن

و همش بلیط بخرن

چرا؟

چون همش میخواد تذکر بده

بالاخره باید یک کیسه پر از سکه طلا داشته باشه

که همش بخواد از این طلاها بذل و بخشش کنه

شما نباید فقط به عنوان

یک فرد گیر بده

و یک شخص کُماندو

و یه شخص اذیت کن

و این ها شناخته بشید

که بگن ای بابا بازم فلانی اومد میخواد بهمون گیر بده

نه، باید بگن:

بمب انرژی اومد،

منبع شادی اومد و...

كَانَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلٌ مَّزَاحٌ

همونطور که فرمودند حضرت امیر رَجُلٌ بَکَاءٌ بَوَدُنْدُ، بسیار گریه کننده بود از خوف خدا

همونطور هم در وصف ایشان فرمودن که بسیار اهل شوخی و مزاح بود

رسول خدا می فرمایند:

خداوند دوست دارد بنده ای را که همواره در حال مزاح، شوخی و خنداندن بندگان باشد

به شرطی که در اون شوخی و خنده هاش معصیت خدا نباشه

به شرطی که در اون غیبت و تمسخر دیگران و جوک های نامناسب و این ها نباشد

خنده ی حلال باشد

لذا میخوام عرض کنم که آبرو و اعتبار بخریم

و همیشه بلیط تهیه کنیم

که بتونیم به وقتش از این بلیط هامون خرج کنیم و تذکر بدیم

ظرافت سیزدهم:

مواظب باشیم که در دام شیطان نیافتیم،

یکی از دام های شیطان سوء ظن هست

ما امر شدیم به اینکه بین مومنین حسن ظن داشته باشیم
در دایره ی مومنین وقتی می بینیم یک کسی خطایی هم ازش سر زد،
اگر مطمئن نشدیم اگه یقین برامون حاصل نشده،
بگیم نه ان شاءالله که حواسش نبوده،
ان شاءالله که منظوری نداشته

سوء ظن یک بیماری خیلی خطرناک و کشنده هست

اگر کسی نسبت به برادر مومن خودش دچار سوءظن بشه،
اون طور که روایات می فرمایند،
کم کم این سوء ظن برایش تبدیل به باور و یقین میشه
و کم کم بر اساس اون دیگران رو مورد اتهام قرار میده،
کار به جایی میرسه که نسبت کُفر به اون ها میده

مبادا دچار سوءظن بشیم،
تا یک خطای احتمالی از کسی به ذهنمون برسد،
تا یک یه کلاغ چهل کلاغی شنیدیم،
بدون تبیین و تحقیق بگیم که آره حتما این رفته این کار غلط رو انجام داده،
بریم نهی اش کنیم

سوءظن عقل رو از کار می ندازه!

سوءظن باعث تهمت های ناروا میشه!

عزیزان مبادا تو فامیل و بستگان دچار سوءظن بشیم، مراقب باشید

ظرافت چهاردهم:

گاهی وقت ها تنها نباشیم،

گاهی وقت ها با یک عده دیگه ای هماهنگ کنیم

و تَبانی کنیم که آقا شما هم بیا بریم میخوایم بریم با فلانی صحبت کنیم

مثلا میخوایم بریم این دو نفر رو آشتی بدیم

من و ایشون داریم میریم کافی نیست،

شما هم بیاین، شماها هم بیاین

حضرت موسی وقتی مامور می شود که برود و با فرعون صحبت کند و نهی از منکرش کند،

به خدا میگه برادرِ من لسانش از من اَفْصَح است

و او بهتر از من صحبت می کند،

هارون برادرم را وزیر من قرار بده

و او را هم همراه با من بفرست به سمت فرعون

گاهی وقت ها انتخاب افرادی که اون ها بتونن در امر و نهی به ما کمک کنند

و تنها نبودن ما در امر به معروف و نهی از منکر

خیلی می تونه مُثْمِر ثمر باشه

که بستگان با استفاده از مقبولیت او و جایگاه بنده
یک شدت و حدت بیشتری و یک توان مضاعفی رو
در امر به معروف و نهی از منکر ما ببینن

خداوند ان شاءالله به همه ما کمک بکنه
ظرافت ها را در امر به معروف و نهی از منکر مون رعایت کنیم،
خصوصا نسبت به بستگان و نسبت به خانواده تمرکز بیشتری داشته باشیم،
دلسوزی و مَلاطفت بیشتری داشته باشیم
و از اون ها هم بخوایم نسبت به ما امر به معروف و نهی از منکر کنن
تا همزمان با خودسازی، دگر سازی هم صورت بگیره
و جامعمون ان شاءالله به سمت رشد و اُعتلای روز افزون حرکت کنه
به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

www.Aamerin.ir

سایت آمرین:

@aamerin_ir

کانال در پیام رسان های داخلی:

aamerin_ir

صفحه اینستاگرام:

Aamerin

کانال آپارات: